

WWW.SAVADAMOZAN.IR

سواد آموزان

دبیران رسانه

یادگیری تضمینی



تخصصی ترین

بسیارترین سوالات آموزشی

تدریس خصوصی سوالات آموزشی توسط دبیران رسانه

آموزش و پژوهش و نهضت با مناسب ترین قیمت

۲۶۳۰۲۹۰۵*۴۶۰۴۹۲۳۲*۷۷۱۹۸۰۳۷

۰۹۱۲۷۶۳۷۴۱۴



بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بخوانیم و بنویسیم (۲)

۴۱۵/۱/۹۴۲

مدیریت پژوهش و تولید محتوای آموزشی
سازمان نهضت سواد آموزی
۱۳۹۴

کتاب باید وارد زندگی مردم شود.

مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

شناسنامه‌ی کتاب

عنوان: بخوانیم و بنویسیم ۴۱۵/۱/۹۴۲

زیر نظر: علی باقرزاده، معاون وزیر و رئیس سازمان نهضت سوادآموزی

گروه تألیف: محمد مهدی زاده، کرامت نوایی، عابدین بازگیر، حافظ سیفی نژاد، منیرالسادات موسوی، شهین افتخاری، شهناز کرد زنگنه

ناظر چاپ: قدیر کرمی سیدآبادی

طراح جلد و صفحه آرا: یحیی حسین مردی

شمارگان: جلد

نوبت چاپ: دوم

سال انتشار: ۱۳۹۴

ناشر: سازمان نهضت سوادآموزی

ISBN: 978-964-494-288-4

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۴-۲۸۸-۴

تمامی حقوق برای ناشر محفوظ است.



■ هیچ انسانی نیست که بی نیاز از سوادآموزی باشد.
■ انسان تا آخر عمرش به علم احتیاج دارد...

«حضرت امام خمینی (رحمت الله علیه)»

■ امروز علم آموزی نه تنها یک وظیفه ی ملی؛ بلکه یک واجب دینی است.

«حضرت آیت الله خامنه ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدّ ظلّه العالی)»

WWW.SAVADAMOZAN.IR



سازمان تخصصی سواد آموزان (سازمان تخصصی سواد آموزان)

تلفن: ۰۲۱-۷۷۱۹۸۰۳۷ * ۰۲۱-۴۶۰۴۹۲۳۲ * ۰۲۹-۲۹۰۲۶۳

۰۹۱۲۷۶۳۷۴۱۴



فهرست مطالب

صفحه

عنوان

| | |
|----|-------------------------|
| ۱ | شکر خدا |
| ۶ | سلامت و تندرستی |
| ۹ | شاد زندگی کنیم |
| ۱۴ | مهر مادری |
| ۱۹ | راه رستگاری |
| ۲۱ | امیدواری |
| ۲۴ | از محبت خارها گل می شود |
| ۲۷ | جوانمردی |
| ۳۰ | کوزه‌ی شکسته |
| ۳۴ | نتیجه‌ی عمل |
| ۳۸ | دعا |
| ۴۲ | مَثَل |
| ۴۴ | |

WWW.SAVADAMOZAN.IR

سواد آموزان

تولید و توزیع

کتابهای آموزشی



تولید و توزیع
کتابهای آموزشی

تولید و توزیع کتابهای آموزشی
از بهترین نویسندگان و مترجمان

۲۶۳۰۲۹۰۵*۴۶۰۴۹۲۳۲*۷۷۱۹۸۰۳۷

۰۹۱۲۷۶۳۷۴۱۴



by Dream-Wallpaper.com



پروردگارا! فقط تو را پرستش می‌کنیم.

ای خدای یکتا! تو از همه بی‌نیازی و همه به تو نیازمند هستند.
ای خدای مهربان، تو به ما نعمت‌های فراوان داده‌ای.
خدایا! ما را یاری کن تا قدر نعمت‌های تو را بیشتر بدانیم و
شکرگذار نعمت‌های تو باشیم.
خدایا! ما را به خودمان وا مگذار.



■ نام هر یک از تصویرهای زیر را یک بار بخوانید.



گل



خورشید



چشم

■ توجه:

چشم - خورشید - گل - زمین - معلّم

به هریک از این ها، کلمه می گوئیم.



گل، زیبا است.



خداوند، بخشنده و مهربان است.

به هر یک از این عبارت ها، جمله می گوئیم.



فکر کنید و بگویید

■ برای هریک از کلمه های زیر یک جمله بگویید.

محبت - شکر - نیازمند

بخوانید و بنویسید

■ جمله های زیر را بخوانید و یک بار از روی آنها بنویسید.

نظافت نشانه ی ایمان است.

حضرت زینب (س) الگوی صبر و شکیبایی است.

■ درس را بخوانید و یک بار از روی آن در دفترچه ی خود بنویسید.

■ جمله های زیر را با کلمه های داده شده کامل کنید.

محبت - قناعت - نعمت - فداکاری

سلامتی خداوند است.

از خارها گل می شود.



بزرگ ترین ثروت است.

■ برای هر کلمه یک جمله بنویسید.

تلفن: ۰۹۱۲۷۶۳۷۴۱۴
۰۹۱۲۷۶۳۷۴۱۴
۲۶۳۰۲۹۰۵*۴۶۰۴۹۲۳۲*۷۷۱۹۸۰۳۷

همکاری:

صبر:

عدالت:

اراده:

■ از روی کلمه های زیر بخوانید و بنویسید.

غیرت - طهارت - چاره اندیشی - شکیبایی - ظلم - نظافت

ستاره - ایمان - انسان - مهر و محبت - عزیز - توکل

قناعت - صبر - تعاون - ذکر - یکتا - حفظ

جدول را مانند نمونه کامل کنید.

| | | | | |
|--|--|--|------------|-------|
| | | | عدالت | ع - ع |
| | | | غَنَى | غ - غ |
| | | | ظرف | ظ |
| | | | صبر | ص - ص |
| | | | ساده زیستی | س - س |
| | | | اِرْث | ث - ث |
| | | | راز | ز |
| | | | مريض | ض - ض |

نکته

کلمه های زیر را با دقت بخوانید.

خورشید - خود - خورش - تو - عدد دو

در این کلمه ها، «و» چه صدایی می دهد؟

در برخی کلمه ها، «و» صدای «أ» می دهد.



سلامتی و تندرستی از نعمت های خداوند است. انسان‌ها باید در حفظ سلامتی خود و جامعه کوشا باشند.

برای حفظ سلامتی و تندرستی توصیه می‌شود:

- هر روز ۱۰ تا ۳۰ دقیقه پیاده روی کنیم.
- از چهارگروه اصلی نان و غلات، میوه‌ها و سبزی‌ها، شیر و فرآورده‌های آن، چربی‌ها و شیرینی‌ها استفاده کنیم.
- از غذاهای پرچرب، قند و نمک کمتر استفاده کنیم.
- از وسایل شخصی مانند مسواک، حوله، شانه و ... استفاده کنیم.
- محیط زیست خود را پاکیزه نگه داریم.



فکر کنید و بگویید



با دقت به تصویرها نگاه کنید و درباره‌ی هر یک دو کلمه بگویید.



برای هر یک از کلمه های زیر یک جمله بگویید:

خداوند - تندرستی - شکرگزار - سلامتی - تغذیه

محیط زیست - پاکیزگی

بخوانید و بنویسید



از روی کلمه های زیر بخوانید و بنویسید.

جامعه - مهم - حفظ - حقیقت - محبت - موفق

حکمت - رحمت - زودگذر - شکرگزار - تدبیر - پاکیزه

■ دو جمله از روی درس انتخاب کنید و بنویسید.

■ یک بار از روی درس برای اعضای خانواده بخوانید و در دفترچه‌ی خود بنویسید.

■ جمله‌های زیر را با توجه به متن درس کامل کنید.

محیط زیست خود را نگه داریم.

در حفظ سلامتی خود و کوشا باشیم.

هر روز ده تا سی دقیقه کنیم.

■ برداشت خود را از متن درس در دو جمله بنویسید.

■ نکته: به کلمه‌های زیر توجه کنید.

موجب - درخت مو - موز - حوله

در کلمه‌های بالا، «و» چه صدایی می‌دهد؟

در برخی کلمه‌ها، «و» صدای «اوو» می‌دهد.





شاد بودن و شاد زیستن از نعمت های خداوند است.
داشتن اخلاق نیکو و رفتار مناسب با دیگران، بخشی از شاد زیستن است.
شاد زیستن به سلامت جامعه کمک می کند. افرادی که شاد هستند، در زندگی آرامش دارند و به دیگران نیز آرامش می دهند.
شاد بودن موجب می شود خوب زندگی کنیم. خوب زندگی کردن نیز باعث شادی ما می شود.

عوامل گوناگونی در شاد بودن ما اثر دارند که در ادامه به آنها اشاره می‌شود:

(۱) ایمان به خدا

(۲) تماشای زیبایی‌های دنیا

(۳) مثبت فکر کردن

(۴) داشتن خانواده‌ی سالم

(۵) شناخت خود؛ یعنی اینکه بدانیم چه توانایی و استعدادی داریم و نیازهای ما چیست.

(۶) هدف داشتن در زندگی؛ یعنی دانستن اینکه از زندگی چه می‌خواهیم و به کجا باید برسیم.

کلمه و جمله بگویید

الف) با دقت به تصویرها نگاه کنید و درباره‌ی هر کدام دو کلمه بگویید.



ب) با هر یک از کلمه‌هایی که گفتید، یک جمله بگویید.

بخوانید و بنویسید

■ از روی کلمه های زیر بخوانید و بنویسید.

نعمت - رضایت - زندگی - جامعه - آرامش - باعث - هدف

احساس - مثبت - حاصل عمر - غفلت - طبیعت - خنده

■ برای هر کلمه یک جمله بنویسید.

جامعه:

هدف:

■ جمله های زیر را کامل کنید و یک بار از روی آنها بنویسید.

بخشی از شاد زیستن، داشتن خوب در زندگی است.

به خداوند داشته باشیم.



شادی هایمان را با دیگران کنیم.

کمک کردن به دیگران باعث می شود.

■ جمله های زیر را مرتب کنید و بنویسید.

◀ (زندگی - شاد - کنیم)

(سلامت انسان - می کند - شادزیستن - به - کمک)

■ درباره ی شاد بودن دو سطر بنویسید.

■ یک بار از روی درس در دفترچه ی خود بنویسید.



چند کلمه از درس انتخاب کنید و بنویسید.

نکته

به عبارت های زیر توجه کنید.

آنها - کتاب ها - پسران - دختران - نیازها - درختان - کودکان

در این کلمه ها، «ها» و «ان» چه چیزی را نشان می دهند؟

«ها» و «ان» جزو علامت جمع است.

نیازها = نیاز + ها

کتابها = کتاب + ها

..... = + دختر

پسران = ان + پسر

..... = +

..... = +



مادر در حال پختن شام در آشپزخانه بود. دختر کوچکش نزد او آمد. برگه ای به او داد.

مادر دست هایش را با حوله خشک کرد. نوشته های روی آن برگه را با صدای بلند خواند. دختر با خط کودکانه اش نوشته بود:

مادر جان این صورت حساب را هرچه زودتر بپردازید:

* مرتب کردن اتاقم ۵۰۰ تومان

* جمع کردن اسباب بازی هایم ۵۰۰ تومان

* مراقبت از خواهر کوچکم ۵۰۰ تومان

* بیرون بردن سطل زباله از خانه ۵۰۰ تومان

* نمره ریاضی خوبی که امروز گرفتم ۱۰۰۰ تومان

* جمع بدهی شما به من ۳۰۰۰ تومان

مادر به دخترش نگاه کرد. بعد از چند لحظه پشت برگه‌ی صورت حساب دخترش چنین نوشت:

برای سختی نه ماه بارداری که در وجودم رشد کردی؛ هیچ
برای همه‌ی شب‌هایی که تا صبح در کنارت نشستیم؛ هیچ
برای همه‌ی زحمت‌هایی که در این چند سال کشیدم تا تو بزرگ شدی؛ هیچ
برای غذا، نظافت و همه‌ی چیزهایی که تهیه کردم تا تو راحت باشی؛ هیچ
دخترم می‌بینی حاصل جمع هزینه‌ی کارهایی که کرده‌ام با توجه به عشق و علاقه‌ام نسبت به تو هیچ است.
وقتی دختر نوشته‌های مادرش را خواند، چشمانش پر از اشک شد. او در حالی که به مادرش نگاه می‌کرد، گفت:
مادر جان از صمیم قلب دوستت دارم!
سپس زیر صورت حساب خودش نوشت، این صورت حساب از قبل به طور کامل پرداخت شده است.

فکر کنید و بگویید

■ به تصویرها نگاه کنید و چند جمله درباره‌ی آنها بگویید.



■ پیام درس را در چند جمله بگویید.



بخوانید و بنویسید



■ از روی درس برای اعضای خانواده بخوانید.

■ پیام هایی را که از این درس گرفتید، بنویسید.

.....

.....

.....

■ درس را با دقت بخوانید و کلمه های جدید آن را بنویسید.

.....

.....

■ درباره ی راه های قدردانی از زحمات پدر و مادر سه سطر بنویسید.

.....

.....

.....

■ با هر دو کلمه‌ی مربوط به هم مانند نمونه، یک جمله بسازید و بنویسید.

من در درس ریاضی نمره‌ی خوب گرفتم.

خوب

نمره‌ی

بلند

صدای

مهربان

مادر

■ برای هر یک از کلمه‌های زیر یک جمله بنویسید.

پدر:

مادر:

قدردانی:

زحمت:

■ ترکیب کنید و کلمه بنویسید.

چشمان + ش ← چشمانش، یعنی چشمان او

دختر + ش ← دخترش، یعنی دختر او

مادر + ← مادرش، یعنی

..... + ← خاطراتش، یعنی خاطرات او

..... + ←، یعنی

■ از روی کلمه های جدید درس، یک بار در دفترچه‌ی خود بنویسید.

■ نکته

به کلمه های زیر توجه کنید.

خواهر - خواند - خواهش - خواست - خواب

در کلمه های بالا، «و» چه صدایی می دهد؟

در برخی کلمه ها، «خوا» صدای «خا» می دهد.



روزی حضرت علی (علیه السلام) با یاران خود در مسجد نشسته بودند.
یکی از یاران پرسید: یا امیرالمؤمنین! کدام سلطان قدرتش بیشتر است؟
فرمود: مرگ

پرسید: چه چیزی ذلتش بیشتر است؟

فرمود: حرص بر جمع کردن مال دنیا

پرسید: کدام عمل رستگاری می آورد؟

فرمود: آنچه که خداوند می پسندد.

پرسید: کدام هم نشین از همه بدتر است؟

فرمود: آنکه گناهان را نزد انسان زیبا جلوه دهد.

پرسید: کدام شخص از همه نیرومندتر است؟

فرمود: آنکه بردباری بیشتری داشته باشد.



پرسید: کدام شخص از همه زرنگ تر است؟
فرمود: آنکه راه راست را از گمراهی تشخیص دهد.
پرسید: چه کسی برای داوری در بین مردم شایسته تر است؟
فرمود: آنکه زود خشمگین نشود.
پرسید: چه کسی حسرتش بیشتر است؟
فرمود: کسی که هم دنیا و هم آخرت را نداشته باشد.
پرسید: کدام شخص نابیناست؟
فرمود: کسی که برای خدا عملی انجام نداده و از خدا انتظار پاداش دارد.
پرسید: کدام قناعت بهتر است؟
فرمود: قناعت به هر چه که خداوند می دهد.
پرسید: چه کسی نزد خداوند بهتر است؟
فرمود: کسی که تقوای بیشتری دارد و از خدا می ترسد.
پرسید: کدام گفتار از همه درست تر است؟
فرمود: شهادت دادن به یگانگی خداوند.
پرسید: کدام عمل نزد خداوند محبوب تر است؟
فرمود: انتظار امام زمان



کشتی در طوفان دریا گرفتار شد. از همه ی مسافران آن کشتی، فقط یک نفر زنده ماند. موج ها، او را به جزیره ی کوچک و دور افتاده ای بردند. هیچ کسی در آن جزیره زندگی نمی کرد. او هر روز دعا می کرد و از خداوند می خواست که نجاتش دهد. روزها گذشت. مرد از نجات خود نا امید شده بود. سرانجام تصمیم گرفت با تخته های شکسته ی کشتی خانه ای بسازد. با تلاش زیاد خانه ای چوبی برای خود ساخت. او از اینک، از سرما و گرما و حیوان های وحشی در امان مانده بود، خوش حال بود. یک روز برای پیدا کردن غذا از خانه بیرون رفت. به هنگام برگشت دود سیاهی را در آسمان دید. وقتی جلوتر آمد، معلوم شد که خانه اش در حال سوختن است. با نگرانی فراوان رو به آسمان کرد و گفت: خدایا! چگونه راضی شدی با من چنین کاری بکنی؟!

ساعت ها گذشت. ناگهان صدای بوق کشتی‌ای را شنید. به دریا نگاه کرد. کشتی به نزدیکی جزیره رسیده بود. با خوش حالی به سوی آن دوید. وقتی وارد کشتی شد، از افرادی که در کشتی بودند، پرسید: از کجا فهمیدید که من در جزیره هستم؟!

آنان گفتند: با دیدن دود متوجه شدیم، کسی به ما علامت می دهد و نیاز به کمک دارد. مرد کمی فکر کرد و از ته دل برای همه چیز از خدای مهربان تشکر کرد.

یادمان باشد که برخی از گرفتاری های ما، نشانی از حکمت خداوند است.

کلمه و جمله بگویید 

■ با شنیدن کلمه‌ی «امید» چه کلمه ها و جمله‌هایی به ذهن شما می رسد؟ بگویید.

بخوانید و بنویسید 

■ از این داستان چه درس هایی گرفتید، در چند سطر بنویسید.

■ کلمه‌هایی را که در درس دارای یکی از شکل‌های «ط، ع، ص، ح، ض» هستند، پیدا کنید و در جدول بنویسید.

| ط | ع | ص | ض | ح |
|---|---|---|---|---|
| | | | | |
| | | | | |

■ برای هر یک از کلمه‌های «دعا، نجات، تصمیم، طوفان، دریا» یک جمله در دفترچه‌ی خود بنویسید.

■ نکته

چاره + ← چاره‌ای

خانه + ای ← خانه‌ای

..... ← کوزه + ای

..... ← ای + نامه‌ای

..... ← +

..... ← +

■ از روی درس به یک سوادآموز، املا بگویید.



بسیار بد اخلاق است. من دیگر حاضر نیستم با او زندگی کنم. زن از حکیم خواست به او کمک کند.

حکیم فکر کرد و گفت: من داروی درد تو را می دانم، برای درست کردن آن دارو، باید چند تار موی پلنگی را برایم بیاوری. پس اگر می خواهی زندگی خوبی داشته باشی، باید این چند تار مو را هرچه زودتر حاضر کنی. زن رفت. چند روز در این فکر بود که چگونه می تواند به پلنگ نزدیک شود؟! سرانجام راهی پیدا کرد.

او تصمیم گرفت ابتدا پلنگ را رام کند. برای این کار ماه ها وقت صرف کرد. او آن قدر به پلنگ محبت کرد تا آن پلنگ با او صمیمی شد، به طوری که زن توانست خیلی راحت چند تار مو از پلنگ بکند و برای حکیم ببرد.

حکیم وقتی زن را دید، خوش حال شد. از او شرح ماجرا را پرسید. زن همه چیز را برای حکیم تعریف کرد. از او خواست خیلی زود آن دارو را برایش بسازد. اما حکیم به او گفت: دخترم داروی درد تو نزد خودت هست. تو با تلاش فراوان توانستی پلنگی را رام کنی. آیا فکر نمی کنی اگر بخواهی، می توانی همسرت را هم به مردی خوش اخلاق تبدیل کنی و شادی را به خانه ات بیاوری؟

آیا فکر نمی کنی، محبت به همسرت کاری ساده تر از رام کردن پلنگ وحشی است؟ زن منظور حکیم را فهمید. لبخندی زد و با اراده ای قوی به خانه رفت. او می خواست با محبت به همسرش، دل او را به دست آورد و زندگی اش را شیرین کند.

فکر کنید و بگویید



- متن درس را با دقت بخوانید و آن را برای دوستانتان بگویید.
- چگونه می توان به دیگران محبت کرد؟ چند راه بگویید.
- چند نمونه از رفتارهای محبت آمیز دیگران نسبت به خود را بگویید.

بخوانید و بنویسید



- درس را برای دوستان خود بخوانید و نظر آنان را در چند جمله بنویسید.

■ با دیدن کلمه های زیر به یاد چه کلمه هایی می افتید؟ بنویسید.

..... حکیم: پلنگ: کار:

■ کلماتی را که در درس «خوا» دارند پیدا کنید و برای هر کدام یک جمله، بنویسید.

■ جمله های زیر را با کلمه های مناسب کامل کنید.

همسر زن، بداخلاق (بودند – بود)

او خوش حال (شد – شدم)

زن تصمیم به رام کردن پلنگ (گرفتند – گرفت)

■ جمله ی زیر را ادامه دهید.

یکی از راه های محبت کردن

■ از یکی از اعضای خانواده بخواهید از متن درس به شما املا بگوید. آن را در دفترچه ی

خود بنویسید.



جوانمردی به قصد رفتن به آبادی، سوار بر اسب خود شد و به راه افتاد. هنگام نماز ظهر بود که به بیابانی رسید. خیلی تشنه بود. از پشت بوته‌ی خاری صدای ناله‌ای شنید. خوب نگاه کرد. مردی را دید که زخمی بود و ناله می‌کرد.

از او پرسید: «چرا اینجا با این حال افتاده‌ای؟ کجا می‌خواستی بروی؟»

مرد پاسخ داد: «می‌خواستم به روستای بعدی بروم.»

جوانمرد گفت:

«تو از پا افتاده‌ای، خسته و پیاده هستی. من نصف راه را سوار بر اسب بودم.

بیا بر اسب من سوار شو تا با هم به سفر خود ادامه دهیم.»

مرد زخمی قبول کرد و بر اسب او سوار شد. جوانمرد هم پشت او به راه ادامه داد.

در بین راه، مرد زخمی به فکر خیانت افتاد. او بلافاصله اسب را بتاخت و فرار کرد. جوانمرد به دنبال او دوید، اما نتوانست به او برسد. جوانمرد او را صدا زد و گفت:

« ای مرد! این رسم رفاقت و هم‌سفری نبود! »

مرد راهزن که روی اسب نشسته بود، گفت:

«چقدر ساده هستی! چه فکر کرده‌ای؟ من تا ساعتی دیگر به روستای بعدی می‌روم و در آنجا اسب تو را می‌فروشم. تا تو به آنجا برسی، من با اسب دیگری آنجا را ترک خواهم کرد.»

جوانمرد گفت:

« برو آسوده باش! من از تو گذشتم. اسب خود را به تو بخشیدم. اما اگر خواستی اسب را بفروشی، کار خود را به عنوان زرنگی تعریف نکن! زیرا ممکن است افرادی بشنوند و از آن پس کسی به پیاده‌های خسته و درمانده در بیابان رحم نکند. در آن صورت هیچ کسی در حق دیگری جوانمردی نمی‌کند.»

فکر کنید و بگویید 

■ چند رفتاری را که از نظر شما نشانه‌ی جوانمردی است، نام ببرید.

■ چند نمونه از رفتارهای ناجوانمردانه‌ی ای را که شما مشاهده کرده‌اید، بگویید.

بخوانید و بنویسید

■ درس را با دقت بخوانید و چند کلمه که شکل صداهای «پ، ق، ف، ه، خوا» دارد پیدا کنید و بنویسید.

■ درس را با دقت بخوانید و برداشت خود را بنویسید.

■ نکته :

من بر اسب سوار شدم. **تو** بر اسب سوار شدی.

او بر اسب سوار شد.

با توجه به نکته های بالا جمله های زیر را کامل کنید.

..... من با سواد

..... او با سواد

..... تو با سواد



داشت. هر بار که مرد آب به طرف خانه اش می‌برد، نصف آب آن کوزه، روی زمین می‌ریخت. مرد در مدت دو سال هر روز این کار را تکرار می‌کرد. کوزه‌ی نو و سالم مَغرور شده بود. به خود افتخار می‌کرد؛ چون همه‌ی آب درون خود را به خانه می‌رساند. اما کوزه‌ی کهنه و تَرَک خورده احساس شرمندگی می‌کرد؛ چون فقط نصف وظیفه اش را انجام می‌داد.

روزی، وقتی مرد در حال کشیدن آب از چاه بود، به او گفت: «از تو معذرت می‌خواهم. در همه‌ی مدتی که از من استفاده کرده‌ای، فقط نصف آب را به خانه رسانده‌ام.» مرد خندید و گفت: «وقت برگشت به دقت به راهی که به خانه می‌رویم، نگاه کن!»

هنگام برگشت، کوزه‌ی ترک‌خورده با دقت به اطراف نگاه کرد. طرف خودش را دید که سبزی‌های مختلف و گل فراوانی روییده است.

مرد به کوزه‌ی شکسته گفت: «می‌بینی طرف تو چقدر زیباست!»
من می‌دانستم که تو ترک داری، به همین دلیل در این طرف جاّه بذر گل پاشیدم. تو آنها را هر روز آبیاری می‌کردی و من برای خانه، گل، کلم و کاهو می‌بردم. اگر تو ترک نداشتی، آیا این طور می‌شد؟

به ظاهر نگاه نکنیم؛ هر کسی در حدّ خودش می‌تواند، مفید باشد.

فکر کنید و بگویید



درباره‌ی تصویر چند جمله بگویید.



درس را بخوانید و پیام‌های آن را بگویید.

بخوانید و بنویسید



کلمه‌ها و جمله‌های زیر را بخوانید و بنویسید.

شانه - تَرَک - نِصف - می‌ریخت - تکرار - مَعْرور - اِفْتخار - وَظیفه - مَعذرت

کوزه ی ترک خورده احساس شرمندگی می کرد.

وقتی بر می گردیم با دقت به راه نگاه کن.

در این طرف جاده، بذر گل و سبزی پخش کردم.

■ درباره ی تصویر صفحه ی قبل چند جمله بنویسید.

■ نکته

به هر دسته از کلمه های زیر خوب توجه کنید.

کهنه - نو کوچک - بزرگ زشت - زیبا

هر دسته از کلمه های بالا، چه ارتباطی با یکدیگر دارند؟

به هر دسته از این کلمه ها، کلمه های مخالف می گوئیم.



■ با توجه به متن درس های قبل، چند کلمه‌ی مخالف پیدا کنید و بنویسید.

■ از یکی از اعضای خانواده بخواهید از روی متن درس به شما املا بگوید.

■ جدول زیر را مانند نمونه کامل کنید.

| | | | |
|------|------|------|------|
| زیبا | | کوچک | بزرگ |
| | نصف | | نو |
| | خنده | | روز |
| کم | | | کهنه |
| | دوست | | حلال |



پدری با پسر خود به کوه رفت. ناگهان پای پسر به سنگی خورد و به زمین افتاد. داد کشید: آی!

صدایی از دور شنیده شد: آی!

پسر با کنجکاوی فریاد زد: چه کسی هستی؟

پاسخ شنید: چه کسی هستی؟

پسر خشمگین شد و فریاد زد: ترسو!

باز پاسخ شنید: ترسو!

پسر با تعجب از پدر پرسید: چه خبر است؟

پدر لبخندی زد و گفت: پسرم! بیشتر توجه کن.

بعد با صدای بلند فریاد زد: تو یک قهرمان هستی!

صدا پاسخ داد: تو یک قهرمان هستی!

پسر بیشتر تعجب کرد.

پدرش توضیح داد: مردم می‌گویند این انعکاس کوه است؛ اما درحقیقت

انعکاس زندگی است. هر چیزی که بگویی یا انجام دهی، زندگی همان را به تو جواب می دهد. اگر به مردم مهربانی و محبت کنی، محبت بیشتری به تو خواهند کرد. اگر رفتار بدی با دیگران داشته باشی، با تو نیز بد رفتاری خواهد شد. اگر به دیگران کمک کنی، در روزهای گرفتاری به تو کمک خواهد شد. اگر از شادی دیگران شاد شوی، دیگران نیز برای تو آرزوی شادی خواهند کرد. اگر در کنار دیگران باشی دیگران نیز در کنارت خواهند بود.

این جهان کوه است و فعل ما ندا سوی ما آید نداها را صدا
مولوی

حضرت علی (ع) می فرمایند:

۱. هر کسی هر چه را کاشته، درو می کند و به کاری که کرده، پاداش می یابد.
۲. هر کسی به مردم نیکی کند، پیوسته از آنان محبت و دوستی خواهد دید.

فکر کنید و بگویید



■ نکته های جدیدی را که از خواندن این درس یاد گرفتید، بگویید.

■ دو حدیث از امامان معصوم (علیهم السلام) در رابطه با موضوع درس بگویید.

بخوانید و بنویسید



■ ده کلمه از درس را که تأثیر بیشتری روی شما گذاشته است، انتخاب کنید و در

دفترچه ی خود بنویسید.

■ درباره ی هریک از کلمه های زیر چند جمله بنویسید.

دوست:

مفید:

قهرمان:

حقیقت:

■ جمله ی زیر را بخوانید و معنای آن را در چند سطر بنویسید.

«هر چه بکاری، همان را برداشت می کنی.»



با هر گروه از کلمه های زیر یک جمله بسازید.

◀ (زیبا - فصل - بهار)

◀ (احترام - پدر و مادر)

◀ (درس - سوادآموز - کلاس)

جمله های زیر را با یکی از کلمه های (آیا ، چرا) کامل کنید.

.....می خواهی حرفی درباره ی دوستم بگویی؟

..... آنچه درباره ی دوستم می گویی درست است؟

..... جوانمرد پرسید اینجا با این حال افتاده ای؟

جمله ها را با علامت مناسب کامل کنید. (. ، ؟)

پدری با پسر خود به کوه رفت

پسر با تعجب از پدر پرسید: چه خبر است

هر کاری که انجام دهی ... زندگی همان را به تو جواب می دهد



روزگاری مرد فقیری در روستا زندگی می کرد. او تصمیم گرفت به دیدن پادشاه برود. روزها و شبها در صحرا و کوهستان راه رفت. او همه‌ی راه را، با زحمت و پیاده رفت تا سرانجام به قصر پادشاه رسید.

نگهبانان قصر که مرد را خسته دیدند، او را به قصر راه دادند و نزد پادشاه بردند. پادشاه مرد را خسته و نیازمند دید.

پادشاه گفت: هرچه دوست داری از من بخواه.

مرد گفت: کفش هایم پاره شده اند. به من یک جفت کفش نو بدهید.

پادشاه دستور داد تا یک جفت کفش نو به او دادند. سپس مرد با کفش های نو به سوی خانه‌ی خود راه افتاد.

این حکایت بیشتر انسان هاست.

وقتی دست دعا به سوی خدا بلند می کنند، از خدا چیزی می خواهند که ارزش آن بیشتر از کفش آن مرد فقیر نیست.



چه چیزی با ارزش‌تر از خود خدا می‌توان داشت؛ اگر او را داشته باشیم، همه‌ی هستی را داریم؛ چون همه‌ی هستی در دست اوست. کسی که خدا را دارد، بی‌نیازترین و ثروتمندترین است. هرکسی می‌تواند در حد نیاز، مال دنیا را داشته باشد. مهم این است که انسان برده‌ی مال دنیا نشود. بعضی از آدم‌ها با داشتن مال دنیا احساس فقر می‌کنند. بعضی‌ها به آنچه از مال دنیا دارند، قانع نیستند. احساس فقر، از فقر خطرناک‌تر است. عده‌ای با داشتن مال اندک، احساس ثروتمندی می‌کنند.

فکر کنید و بگویید

- چرا باید از خدا سپاسگزاری کنیم؟
- درباره‌ی مطالب این درس با اعضای خانواده خود گفت و گو کنید.

بخوانید و بنویسید

- چهار دعایی را که دوست دارید، بنویسید.

■ جمله‌ی زیر را ادامه دهید.

برای قبولی دعاها می‌توانیم

■ درس را بخوانید و جدول را مانند نمونه کامل کنید.

| | | | | | |
|--|--|--|--|-------|------|
| | | | | خواهر | خوا |
| | | | | الهی | ه به |
| | | | | حال | ح ح |
| | | | | دفاع | ع ع |
| | | | | خویش | خ خ |
| | | | | قادر | ق ق |
| | | | | یکتا | ت ت |
| | | | | کرم | ک ک |
| | | | | نگه | گ گ |



نکته

خدایا!

یعنی ← ای خدا

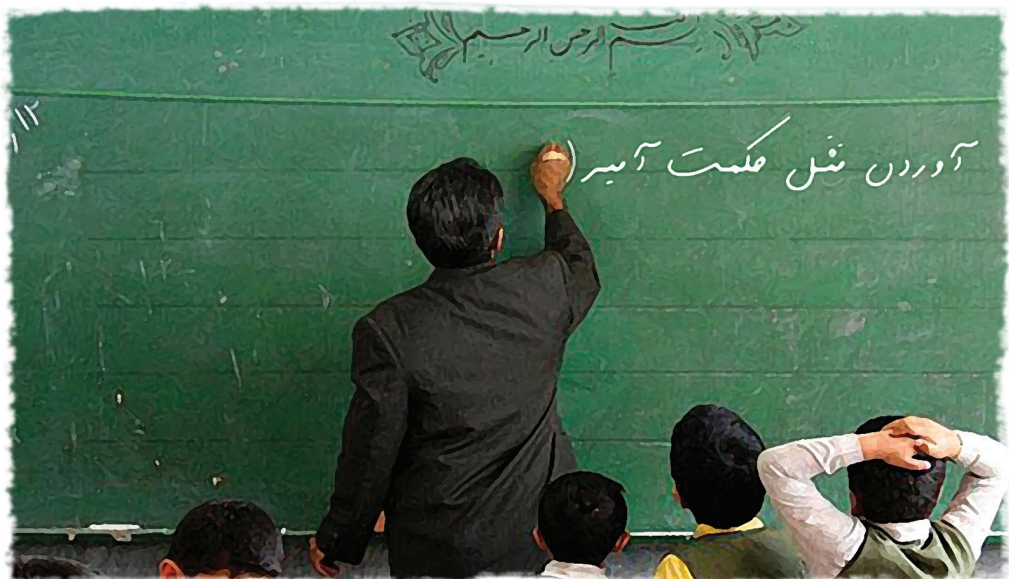
خداوندا!

یعنی ← ای خداوند

پروردگارا!

یعنی ←

بنابراین ما می توانیم به جای خداوندا! بگوییم، ای خداوند



مَثَل سخنی کوتاه است که معنای حکیمانه دارد. مردم مَثَل ها را با توجه به راه و رسم زندگی خود ساخته اند. از هر مَثَل برای گفتن مطالب زیاد در جمله‌ای کوتاه، استفاده می‌شود.

آوردن مَثَل حکمت آمیز، از هنرهای گوینده یا نویسنده است. حالا چند نمونه از مَثَل ها را با هم می‌خوانیم:

۱. از تو حرکت، از خدا برکت
۲. آدم خوش حساب، شریک مال مردم است!
۳. آشپز که دوتا شد، آش یا شوره یا بی‌نمک!
۴. اگر نخوردیم نان گندم، دیدیم دست مردم!
۵. آنچه دلم خواست نه آن می‌شود؛ آنچه خدا خواست همان می‌شود.



۶. اولاد بادام است، اولادِ اولاد؛ مغز بادام!
۷. با یک گل بهار نمی شود.
۸. با یک دست، دو هندوانه، نمی شود برداشت!
۹. باد آورده را، باد می برد!
۱۰. بار کج به منزل نمی رسد!
۱۱. برای یک بی نماز، در مسجد را نمی بندند!
۱۲. عجله، کار شیطان است!
۱۳. کار از محکم کاری عیب نمی کند!
۱۴. پا را به اندازه ی گلیم باید دراز کرد!
۱۵. چاه مکن بهر کسی، اول خودت؛ دوم کسی!
۱۶. خوش زبان باش، در امان باش!
۱۷. دانا داند و پُرسد، نادان نداند و نپُرسد!
۱۸. دست بالای دست، بسیار است!
۱۹. زن و شوهر جنگ کنند، ابلهان باور کنند!
۲۰. سالی که نیکوست، از بهارش پیداست!
۲۱. سر بی گناه پای دار می رود؛ اما بالای دار نمی رود!
۲۲. سنگ بزرگ، علامت نژدن است!
۲۳. عاقبت جوینده، یابنده است!
۲۴. عقل که نیست، جان در عذاب است!
۲۵. کوه به کوه نمی رسد، آدم به آدم می رسد!



الهی! یکتای بی‌همتایی، بر همه چیز بینایی و در همه حال دانایی.

الهی! دانایی ده که در راه راست بیفتیم و بینایی ده تا در چاه نیفتیم.
الهی! ای نزدیک ترین و مهربان ترین کس به ما! ما را به کرم خویش ببخش.

الهی! دانندهی هر چیزی، سازندهی هر کاری، کارم را به اُطف خود آسان ساز.

الهی! به حقّ محمد (ص) و آل او، ما را از سه بلا حفظ کن. از حيله های شیطانی، هواهای نفسانی و غرور نادانی.

یارب ز کرم به حال من رَحمت کن
بر این دل ناتوان من، رَحمت کن

یا فاعل کما

* سوادآموز گرامی:

خدا را شکر می کنیم که شما با خواندن و نوشتن آشنا شدید. از حضور شما در برنامه‌ی سوادآموزی تشکر می کنیم. لطفاً از موارد زیر یکی را به دلخواه انتخاب کنید و درباره‌ی آن چند سطر بنویسید:

- نامه‌ای به نهضت سوادآموزی بنویسید و در آن، فایده‌های باسوادی را برشمارید و راجع به کسانی که شما را در امر سوادآموزی کمک کرده اند، نظر دهید.

- نکته‌های جدیدی را که از خواندن این کتاب یاد گرفته اید، در چند سطر بنویسید.

WWW.SAVADAMOZAN.IR

سواد آموزان

دانشجویان زنده

و دانشجویان



تخصصی زبان

بسیار سوالات آموزشی

تدریس خصوصی سوالات آموزشی توسط دبیران زنده

آموزش و پرورش و بهجت با مناسب ترین قیمت

۲۶۳۰۲۹۰۵*۴۶۰۴۹۲۳۲*۷۷۱۹۸۰۳۷

۰۹۱۲۷۶۳۷۴۱۴